

**Dari transcript:**

**داستان زندگی یک زن افغان-امریکایی بخش دوم**

مریم قدرت اصلیل: مه زیاد امیدوار بودم که پس بیایم به افغانستان و ببینم همی جای ها ره و همی مردمه. پس که آمدم متاسفانه که او درختای مقبول پغمان هم نبود، دیگه همی صحنه های بسیار مقبولی که برم گفته شده بود، از بین رفته بود. پدر و مادرم می گفتن که اینی افغان ها هیچ وقت، آدم گدایگره د روی سرک نمی بینه و اینا. که آمدم دیدم که از همی حصه میدان هوایی تا شار تا کل جای، گدایی و اینا زیاد بود. و مردم بسیار چی شده بودند، راستی زیاد سرشان همی جنگ ها تاثیر کده بود. اما باز هم غرور خوده داشتن. حتی امو گدایگره اگر آدم پول درست نمیداد، او سر آدم صدا می کرد به جرئت و می گفت که باید پول درست بتی. و اکثرا همی کس هایی ره که مه دیدم و چیزی که مره امیدوار ساخت، چون یک کمی نا امید شده بودم د شروع، وقتی که دیدم که ساختمان و همه چیز بر هم خورده، مه فکر کردم که در حقیقت ای، ای مملکت باز چطور آباد شوه. راستی چطور جور شوه؟ همی امریکا هر قدری که پول هم بته، مه فکر نکدم که اینجه راستی یک چیزی شوه. باد از او باز به پوهنتون آمدم، د پوهنتون که آمدم، شاگردا ره دیدم و لیاقت شانه دیدم. و باد از مو یک امید بریم پیدا شد. که مه گفتم راستی همی امید افغانستان و آینده افغانستان که است به دست از می جواناست و جوانا همو ظرفیتش هم دارن که بتوانن که همی مملکته به بسیار خوبی پیش ببرن. دیگه از او خاطر، باد از مو دیگه تقریبا کل امو انرژی و وقتی که دارم صرف پوهنتون کدیم و می کنم و وظیفه ام به امریکا که است، استاد پوهنتون هستم و همونجه درس میدادم اما لذت درس دادنی که اینجه داره، بلکه فرق داره از خاطر ازیکه شاگردا بسیار به علاقه درس میخوانن اینجه، دوم ایکه راستی آدم می بینه که یک، یک اتفاق و یک هماهنگی است در بین شاگردا. بین دخترا و بچا. بین خود بسیار زیاد خوب استن اگه کدام مشکل هم پیدا شد زود می بخشن و مه راستی افتخار می کنم به همی که یک چی بری مه میسر شده که مه بتوانم هم اینا ره درس بتم و فکر می کنم از چیزی که مه بری از اونا درس دادیم، مه زیادتر از اونا آموختیم. دمی طول وختیکه همی جه بودیم. و بسیار زیاد یعنی یک، یک خاطره آموزنده و خوش بوده بری مه که همی قدره وفته د کابل تیر کدیم، پس بخیر یک هفته بعد می رم امریکا اما می فهمم که باز دوباره به همی نزدیک ها خواهد آمدم. تشکر.

**English translation:**

Maryam Qudrat Aseel: I was very hopeful to come back to Afghanistan and to visit these places and people. When I returned, unfortunately the beautiful trees of Paghman were no more. The beautiful scenery that I was told about was destroyed. My parents said that with Afghans, you never see a beggar on the streets and .... When I came I saw that from the airport, to the city, to everywhere, there were lots of beggars. And people had become very... The war had effected them a lot. But still they had their pride. Even that beggar... If you didn't give him good money, he would shout now and would say give me good money. And later I saw the people and then the things that give me hope...because in the beginning I had been disappointed when I saw the buildings and everything was

destroyed, I thought that actually, how would this country be rebuilt? How would this be fixed?

Then I came to the University. When I came to the University and I saw the students, I saw their intelligence; then I found some hope. I said that really the hope of Afghanistan and the future of Afghanistan are in the hands of these young people, and the young people have the capacity to run this country very well. So, for that reason, after that I have spent almost all my energy and time on the University, and I will continue to do so. My job in the U.S. is university professor. I was teaching when I was there, but the joy of teaching here is totally different because students study with lots of passion here. The second thing is that really one can see that there is a sense of unity and coordination among the students...between girls and boys. They are very friendly with each other. If there were any problems, they forgive very easily, and I am really proud that there was a chance for me to teach them. I think that I learned more from them than what they have learned from me in all the time that I have spent here teaching. And this has been a very happy learning experience for me, to spend this time in Kabul. I am going to the U.S.A. in a week, but I know that I will come again soon. Thank you.

**About CultureTalk:** CultureTalk is produced by the Five College Center for the Study of World Languages and housed on the LangMedia Website. The project provides students of language and culture with samples of people talking about their lives in the languages they use everyday. The participants in CultureTalk interviews and discussions are of many different ages and walks of life. They are free to express themselves as they wish. The ideas and opinions presented here are those of the participants. Inclusion in CultureTalk does not represent endorsement of these ideas or opinions by the Five College Center for the Study of World Languages, Five Colleges, Incorporated, or any of its member institutions: Amherst College, Hampshire College, Mount Holyoke College, Smith College and the University of Massachusetts at Amherst.

